



سیدمحمد مهدی موسوی

# بازرگان

## پدر معنوی منافقان



### اشاره

اگر سیری اجمالی بر وقایعی که پس از پیروزی انقلاب در کشور رخ داد داشته باشیم، به خوبی می‌بینیم که هر جا ضد انقلاب در گوشه‌ای از مملکت آتش فتنه افروخته و خون بیگانه‌ی بر زمین ریخته شده است، جای پای منافقین را به وضوح می‌توان دید. هر چند نام و نشان‌ها متفاوت است، لیکن آنجا که هدف از بین بردن انقلاب اسلامی است، شعارها واحد شده و نیزه‌های نفاق و شرک، اساسی‌ترین زیر بنای انقلاب یعنی اساس اسلام را هدف قرار داده است.

ظهور چهره نفاق همواره در مراحل ثانوی هر انقلاب و حرکت آن است. دشمنان چون در ضعف و ناتوانی قرار می‌گیرند، تغییر چهره داده و با پوشیدن لباس نفاق در پی نفی اندیشه دینی و حقیقت برمی‌آیند. از این روست که خطر آنها برای هر جامعه‌ای، از خطر هر دشمن خارجی بالاتر و بیشتر است.

در طول تاریخ ایران چه پیش و چه پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های زیادی بوده‌اند که در پوشش ماسک نفاق، ضربات بسیار خطرناکی به کیان اسلام و انقلاب زده‌اند. در این مقال در پی آن بوده‌ایم که تأثیر اندیشه‌های بازرگان و نهضت آزادی بر روند فعالیت منافقین و تأثیر و تأثر این دو بر یکدیگر را بررسی نماییم.

آزادی بودند - گذاشت که آنان با همین اندیشه التقاطی برگرفته از تفکر و اندیشه بازرگان، سازمان منافقین را پایه گذاری کردند و کتاب «راه انبیاء، راه بشر» را بر اساس همان کتاب «راه طی شده» نوشتند. ۲ سازمانی که در طول سال‌های پس از انقلاب و به ویژه در ایام ۸ سال دفاع مقدس، جوی‌هایی از خون فرزندان پاک ملت را در جای جای ایران عزیز جاری و با ترورهای ناجوانمردانه خود که به نام جهاد برای خلق انجام می‌شد، ده‌ها و صدها خانواده بی‌گناه و مسلمان را عزادار کردند.

جالب این جاست، همین «بازرگان» که خود را سرباز کوچک ملت خطاب می‌کرد، در بجهوهای که احاد ملت علیه منافقین کوردل شعار می‌دادند و خواستار برچیده شدن بساط آنها از صحنه سیاسی ایران بودند، در گفتاری کاملاً متناقض و برای قباحتهای از کار زشت و غیر انسانی منافقین، در تاریخ دوازدهم شهریور سال ۱۳۶۰ چنین بر زبان آورد که: «وقتی هر کدام برادر دیگری را متفق، مرتجع، مزدور امپریالیسم یا توطئه‌گر می‌خوانید، اشتباه می‌کنید و نسبت بیجا می‌دهید.» اما حال که از دو تشکل «نهضت آزادی» و

زمانی که حضرت امام (ره) بالاخره در سال ۱۳۶۰ و در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام محتشمی، وزیر وقت کشور در خصوص فعالیت نهضت آزادی آوردند: «نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون‌گذاری یا قضایی را ندارد و ضرر آنها به اعتبار اینکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوان‌های عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت

بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانیه، ممکن است فساد عظیم شوند که از ضرر گروهک‌های دیگر حتی منافقین - این فرزندان عزیز مهندس بازرگان - بیشتر و بالاتر است»<sup>۱</sup> اینجا بود که مردم دریافتند نهضت آزادی که فردی چون بازرگان سردمدار آن است و داعیه انقلابی عمل کردن و پیروی از خط امام را دارد، در مسیری برخلاف انقلاب و خط امام گام برمی‌دارد و حتی علناً بر ضد منافع نظام اسلامی می‌کوشد و دست در دست دشمنان داخلی و خارجی دارد. بازرگان که در اوایل کار، خود را حتی فردی حزب‌اللهی عنوان

می‌کرد، بعدها به «پدر معنوی منافقین» ملقب و از جمله بزرگ‌ترین حامیان ایدئولوژیکی این دشمنان ملت و مملکت شد تا جایی که حتی خورد وی در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۲ طی سرمقاله‌ای در روزنامه «میزان»، منافقین را با عنوان فرزندان مجاهد و مکتبی عزیزم! مورد خطاب قرار داد.<sup>۲</sup>

گذشته از این، مرشد فکری این نهضت و مؤسس آن، چون در اندیشه‌ای جدای از اندیشه اسلام ناب محمدی (ص) که مروج آن حضرت امام خمینی (ره) بود، سیر می‌کرد، با دیدگاه‌های التقاطی خود، خصوصاً با تألیف کتاب «راه طی شده»، چنان تأثیر شگرفی در فکر محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان - که اتفاقاً از اعضای نهضت

● **مرشد فکری این نهضت و مؤسس آن چون در اندیشه‌ای جدای از اندیشه اسلام ناب محمدی (ص) که مروج آن**

**حضرت امام خمینی (ره) بود، سیر می‌کرد، با دیدگاه‌های التقاطی خود، خصوصاً با تألیف کتاب «راه طی شده»، چنان تأثیر شگرفی در فکر محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان - که اتفاقاً از اعضای نهضت**

**آزادی بودند - گذاشت که آنان با همین اندیشه التقاطی برگرفته از تفکر و اندیشه بازرگان، سازمان منافقین را پایه گذاری کردند.**



«سازمان منافقین» سخن به میان آمد، خوب است تاریخچه‌ای هر چند مختصر از نحوه شکل‌گیری و فعالیت آنها ارائه شود تا به روشن شدن ابعاد این مباحث به ویژه برای نسل جوان کمک کند.

### نهضت آزادی

نهضت آزادی ایران در اوایل دهه ۴۰ با تکیه بر اندیشه‌های کسانی چون «آیت الله طالقانی»، «مهندس بازرگان» و «دکتر یدالله سجایی» تأسیس شد.

وجود خاطرات مثبت از مصدق - که نهضت در اولین موضع‌گیری‌ها خود را پیرو وی اعلام کرد - در اندیشه گروهی از روشنفکران، حضور آیت الله طالقانی به عنوان یک روحانی موجه و دکتر سجایی و مهندس بازرگان به عنوان دو متخصص مذهبی، جذابیت ویژه و مشروعیتی انحصاری نزد گروه‌های بعضاً مخالف برای این حزب به وجود آورد. خود بازرگان در مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹ می‌گوید: «ما در بیانیه تأسیس نهضت اعلام کرده بودیم اولاً مسلمانیم و دین را از سیاست جدا نمی‌دانیم... ثانیاً ایرانی هستیم... ثالثاً تابع قانون اساسی هستیم... رابعاً مصدقی هستیم»<sup>۳</sup>. اما بعدها ورق‌های تاریخ ایران نشان داد آن طور که او می‌گوید، فاقد برخی از این شروط اساسنامه است.

### لیبرال‌ها قدرت را قبضه می‌کنند

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نهضت آزادی به عنوان تنها تشکیلات سیاسی نسبتاً اسلامی در جریان انقلاب، به لحاظ برخورداری از نیروهای تحصیل‌کرده، برای احراز سمت‌های اجرایی و ارتباط با جامعه دانشگاهی در داخل و خارج از کشور و با داشتن وجهه ملی - مذهبی توانست به قدرت اجرایی و تصدی نخست‌وزیری دولت موقت دست یابد.

حضرت امام (ره) هر چند شخصاً با نخست وزیری بازرگان مخالف بود و این مخالفت را به صراحت در نامه مورخ ۶ فروردین ماه سال ۶۸ خود به آیت الله منتظری یادآور شده بودند، اما به پیشنهاد شورای انقلاب با شریاضی، بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت به شرط دوری وی از روابط حزبی و گروهی منصوب کردند، اما بازرگان پس از مدتی، از پذیرش شروط سر باز زد و در کابینه بر خلاف نظر امام، بیش از ۷۰ درصد اعضا را از نهضت آزادی و جبهه ملی قرار داد و بدین ترتیب امور حیاتی مملکت در اختیار گروهی لیبرال و ملی گرا

لیبرالیسم و ملی گرایی بر خط اصیل اسلام، از ویژگی های بازرگان در دوران نخست وزیری وی و پس از آن تا زمان مرگش به شمار می رود.

### مخالفت با امام (ره)، نزدیکی به آمریکا

رویکرد بازرگان و دوستان نهضت آزادی وی، در جریان نفی رهبری امام راحل بیش از پیش آشکار شد، تا جایی که جدال با رهبری مشروع و مردمی امام امت (ره) که تمام ملت به اتفاق آن را پذیرفته

آمد، بارها و بارها از جبهه ملی و مصدق حمایت می کرد و حتی خود را مدیون آنها می دانست.

حقیقت آن است که با تبیین چهره جبهه ملی، شناخت ما نسبت به نهضت آزادی کامل تر می شود: نهضتی که بنا به گفته سردمداران آن، برخاسته از اندیشه مصدق است؛ کسی که امام (ره) او را مسلمان نمی دانست و در جمله ای معروف فرمود: «مصدق به ما سیلی زد و می خواست به اسلام سیلی بزند»<sup>۹</sup>

### حمایت از ارتداد از سوی

#### مقدس نماها

جبهه ملی که از همان آغاز، وظیفه حمل علم مخالفت با روحانیت و اسلام اصیل را بر دوش خود گرفته بود، سالها بعد و چندی پس از پیروزی انقلاب چهره خود را آشکارتر کرد و در ادامه توطئه های خود برای ضربه به اسلام عزیز، لایحه قصاص را زیر سؤال برد. حضرت امام خمینی (ره) در برابر این فتنه با صلابتی الهی فرمودند: «جبهه ملی از امروز

محکوم به ارتداد است»<sup>۱۰</sup> در مقابل، نهضت آزادی همچنان بر حمایت از جبهه مرتد ملی تأکید می کرد و در برابر سخنان امام موضع شدیدی می گرفت و این کشمکش ادامه داشت تا اینکه بالاخره امام امت (ره) در سخنرانی تاریخی خود در ۱۳۶۰/۳/۲۵ خطاب به نهضت آزادی فرمودند: «اینهایی که پیوند کرده اند با جبهه [منی]، پیوند کرده اند با این منافقین... پیوند کرده اند با منحرفین. من با اینها کار دارم که شمایی که متدین هستید و مدعی تدین، چه توجیهی از این معنا دارید...»

وای به حال ملتی که ملی هایشان این باشد و متدینین که اظهار تدین می کنند آن باشند... با اینها [نهضت آزادی] ما چه بکنیم؟ با این مقدس هایی که از اینها پشتیبانی می کنند و با هم ائتلاف کردند و نیز با منافقین از اول هم ائتلاف کردند چه بکنیم؟... حرفی که جبهه ملی می گوید... آنها حکم قصاص در قرآن را غیر انسانی اعلام کردند. شما [نهضت آزادی ها] بیاید حسابتان را از کسانی که علیه اسلام بیانیه می دهند جدا کنید»<sup>۱۱</sup>



● امروز بر همگان این حقیقت آشکار شده است که بازرگان به عنوان پدر معنوی منافقین و نهضت به اصطلاح آزادی او، چه خیانت هایی به ملت، آن هم از کیسه ملت کردند. حال اگر افراد معلوم الحال در حال حاضر و در نشریات وابسته می کوشند اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی را مدافعان ملت و قهرمانان ایران جا بزنند، سابقه آنها بزرگ ترین ضربه را به کیان آنها می زند و این حقیقت در دل تاریخ همچنان باقی خواهد ماند.

بودند، در کانون اهداف دولت موقت قرار گرفت. بازرگان پس از رسیدن به قدرتی که امام آن را به او تفویض کرده بود، در نطق های تلویزیونی خود تلویحاً یا تصریحاً از امام (ره) می خواست به قم رفته و در اداره کشور دخالتی نکنند.<sup>۱۲</sup> تلاش بازرگان برای حذف ولایت فقیه و از بین بردن اصالت و استقلال انقلاب اسلامی و تسهیل گرایش و وابستگی به آمریکا موجب شد که دولت موقت به مرور در ورطه خطرناکی قرار گیرد. اتخاذ سیاست های غیر منطبق بر ویژگی های اسلامی و انقلابی مردم، وجود افرادی که هنوز انقلاب را در حال انجام می دیدند و به پیروزی قطعی آن اعتقادی نداشتند و در نهایت کشف اسناد لانه جاسوسی و معرفی چند تن از اعضای کابینه به عنوان دوستان طبیعی غرب و افشای چهره تعدادی دیگر به عنوان جاسوسان آمریکا، زنگ پایانی بر عمر کابینه خیانت کار بازرگان بود.

اما نقطه اوج مخالفت عمیق نهضت آزادی با امام (ره)، در قضیه جبهه منی به وقوع پیوست. بازرگان که خود گفته بود نهضت آزادی از درون جبهه ملی به وجود

همچون حسن نزیه، احمد مدنی، کاظم سامی، حبیب الله پیمان، ابراهیم یزدی، قطب زاده و... قرار گرفت.<sup>۱۳</sup> و از این به بعد بود که به تدریج فاصله دولت موقت با آرمان های انقلاب بیشتر و بیشتر شد.

نفی رهبری امام و مبارزه با ایشان و روحانیت تحت بهانه انحصارطلبی، مبارزه با دادگاه های انقلاب تحت عنوان مبارزه با شهید مظلوم دکتر بهشتی و حزب جمهوری اسلامی، مبارزه علنی با اسلام تحت عنوان طرفداری از آزادی قلم و بیان، نزدیکی و برقراری ارتباط با آمریکا و ترجیح دادن

چه زیبا قرآن دربارهٔ چهره منافقان گفته که آنان آیات قرآن را مسخره می‌کنند و به راستی که جبهه ملی که قصاص را انکار می‌کرد، منافق بود و نهضت آزادی نیز که از آنها حمایت می‌کرد دچار نفاق بود و لذا بعید نبود که از دامان این دو جریان ضد اسلامی، امثال منافقین خون‌آشام به وجود آیند.

خداوند در آیه ۱۰ سوره بقره می‌فرماید: «منافقان خود را مصلح می‌دانند حال آنکه مفسدند... منافقان مؤمنان را مسخره می‌کنند.»<sup>۱۱</sup> و اگر اندکی تأمل کنیم می‌فهمیم مصداق این آیات همین نهضت آزادی‌هایی هستند که چه در اوایل انقلاب و چه اکنون نهادهای اصیل انقلابی و انقلابیون پاکدل را مسخره می‌کردند و می‌کنند و صد البته که بنابر منطوق آیه ۲۰۲ همین سوره، منافق نصیحت‌پذیر نیست. در جریان انقلاب هم، امام (ره) هرچقدر نهضت آزادی‌ها را ارشاد می‌کرد، اثری نداشت و آنان در عوض منافقانه اسرار نظام را افشا می‌کردند که جریان امیر عباس انتظام و لانه‌جاسوسی از آن جمله است.

هر چند نهضت آزادی و امثال بازرگان خود منافق‌پرور بودند، اما حقیقتاً و بر اساس آیات قرآن کریم، خود منافق محسوب می‌شدند و لذا بی‌جهت نبود که امام خطر آنها را بزرگ‌تر از خطر منافقین می‌دانست.

#### سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین)

تقریباً اواسط دهه ۴۰ بود که تنی چند از شاگردان جوان مهندس بازرگان همچون؛ حنیف‌نژاد، سعید محسن و بدیع‌زادگان، عمدتاً از طیف دانشجویان عدالت‌طلب مخالف رژیم طاغوتی که در دهه ۳۰ و در قالب جبهه مقاومت ملی و سپس در نهضت آزادی فعالیت کرده و تجربه سیاسی اندوخته بودند، سازمان مجاهدین خلق را پایه‌گذاری کردند. این سازمان می‌کوشید اسلام را نه براساس حقایق ناب آن، بلکه مطابق با تفکر حاکم بر محیط روشنفکری و دانشگاه‌ها آموخته و تبلیغ کند. از این رو یکی از متون ایدئولوژیک آنها که تحت تأثیر تفکرات دکتر شریعتی به رشته تحریر درآمد، کتابی تحت عنوان «راه حسین (ع)» به قلم فردی به نام «احمد رضایی» بود که در آن هدف اسلام تقریباً به طور کامل در

قالب مبارزه با سرمایه‌داری و امپریالیسم ارایه شده بود.<sup>۱۱</sup>

#### تأثیر فکری و عقیدتی بازرگان بر منافقین

آشنایی نیروهای این سازمان با مذهب، از طریق آثار مهدی بازرگان و در بخش سیاسی از اندیشه چپ و مارکسیسم بود. از آنجا که اعضای آن معارف اسلامی را از سرچشمه‌ای زلال و متقن فرا نگرفته بودند، کوشیدند با تمسک به نوشته‌های مارکسیستی و تلفیق آن‌ها با چند آیه و



● امروزه دیگر از قدرت منافقین خبری نیست اما در شرایط کنونی می‌توان دریافت که چه کسانی باعث تشکیل این افراد کور دل و به تبع آن وارد آمدن خسارت‌های هنگفت به سرمایه‌های ملت شدند.

حدیث، متون ایدئولوژیک خود را تهیه و تدوین کنند. مجاهدین خلق از آنجا که پس از قیام ۱۵ خرداد، روش انقلاب عمومی را شکست خورده می‌پنداشتند، دست به اسلحه برده و گروهک‌های چریکی برای تبرد شهری را سامان‌دهی کردند. آنها در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ اکثراً یا به زندان افتاده، یا کشته شده و یا به خارج گریختند و پس از پیروزی انقلاب به کشور بازگشته و از زندان آزاد شدند. مجاهدین که از سال ۱۳۵۰ به تدریج به سمت ارتداد گام برمی‌داشتند، در آستانه پیروزی انقلاب رنگ عوض کرده و در آذر سال ۱۳۵۷، با فرصت‌طلبی خود را به عنوان «قوی‌ترین و خشن‌ترین سازمان معارض با نظام با استراتژی براندازی خشن و انقلابی» نشان دادند. در اوایل دهه ۶۰ و در کوران دفاع مقدس، کم‌کم خانه‌های تیمی منافقین به سرکردگی مسعود رجوی - رهبر متواری شده سازمان - کشف و منهدم شد. اعضای

سازمان پس از خروج از کشور و مدتی توقف در کشورهای اروپایی همچون فرانسه و طرح‌ریزی توطئه‌هایی علیه نظام، به دنبال بهبود روابط ایران و فرانسه در سال ۱۳۶۴، به عراق رفته و به‌عنوان واحدهای همراه ارتش عراق و ستون پنجم در خدمت رژیم بعث عراق قرار گرفتند.<sup>۱۲</sup> سازمان مجاهدین خلق که به حق سازمان منافقین لقب یافته است، به دلیل سوابق تاریک خود و عملیات‌های گسترده تروریستی علیه ملت ایران، امروز یکی از مطرودترین گروه‌ها، چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی است.

#### حقیقت تاریخ، انکارناشدنی نیست

امروزه دیگر از قدرت منافقین خبری نیست، اما در شرایط کنونی می‌توان دریافت که چه کسانی باعث تشکیل این افراد کور دل و به تبع آن وارد آمدن خسارت‌های هنگفت به سرمایه‌های ملت شدند.

امروز بر همگان این حقیقت آشکار شده است که بازرگان به عنوان پدر معنوی منافقین و نهضت به اصطلاح آزادی او، چه خیانت‌هایی به ملت - آن‌هم از کیسه ملت - کردند. حال اگر افراد معلوم‌الحال در حال حاضر و در نشریات وابسته می‌کوشند اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی را مدافعان ملت و قهرمانان ایران

جا بزنند، سابقه آنها بزرگ‌ترین ضربه را به کیان آنها می‌زند و این حقیقت در دل تاریخ همچنان باقی خواهد ماند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۸۴.
۲. دشمن‌شناسی، علی شیرازی، ص ۵۳.
۳. همان.
۴. گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آنها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ص ۳۹.
۵. صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۳۳۰ تا ۳۳۲.
۶. گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آنها، ص ۲۴.
۷. همان، ص ۳۵.
۸. روزنامه اطلاعات، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۰.
۹. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۹.
۱۰. خط سازش، جلد اول، مجتبی سلطانی، صص ۵۴ تا ۵۷.
۱۱. سیمای منافقین در قرآن و نهج البلاغه، محمد باقر حسینی زفره‌ای.
۱۲. گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آنها، ص ۴۴.
۱۳. همان، ص ۴۶.